

آیین نامه‌هایی که با طمع جیب مردم تدوین می شوند

# بهمن گرانی در انتظار سفرهای جامعه



نسرین هزاره مقدم

تب خزنه و نامحسوس گرانی‌های بیشتر، مدت‌هاست که تیرنجور مزدبگیران به خصوص کارگران شاغل و بازنشسته را به لرز انداخته است. تورم گاهی آهسته و گاهی تند به پیش می‌رود اما کاهش عددی و حساب شده برخی مولفه‌های تورمی به معنای بازاریستادان موج گرانی‌ها نیست. چیدمان مولفه‌های تورمی مرکز آمار ایران، به گونه‌ای است که می‌توان ادعا کرد تورم «کنترل» شده اما واقعاً هزینه‌های ضروری و ملموس زندگی کارگران کاهش یافته‌است؟

**تورمی که باز بالای ۴۰ درصد شد**  
آمارهای رسمی تورمی هرچه چندان گویا نیستند و با هزینه‌های واقعی زندگی مردم تطابق روشنی ندارند اما باز هم نشان می‌دهند که تورم بالای ۴۰ درصدی در دی ماه همچنان تداوم داشته است و البته علائم روشن اقتصادی که برآمده از سیاست‌گذاری‌های قیمتی اخیر هستند، از صعود بیشتر این نرخ‌ها خبر می‌دهند.

براساس اعلام رسمی مرکز آمار ایران، نرخ تورم سالانه دی ماه ۱۴۰۰ برای خانوارهای کشور به ۲۲.۴ درصد رسیده که نسبت به همین گزارش در ماه قبل، یک واحد درصد کاهش نشان می‌دهد. نرخ تورم نقطه‌ای در دی ماه ۱۴۰۰ به عدد ۳۵.۹ درصد رسیده است یعنی خانوارهای کشور به طور میانگین ۳۵.۹ درصد بیشتر از دی ۱۳۹۹ برای خرید یک مجموعه کالاها و خدمات یکسان هزینه کرده‌اند. نرخ تورم نقطه‌ای دی ماه ۱۴۰۰ در مقایسه با ماه قبل ۰.۷ درصد افزایش یافته است. نرخ تورم نقطه‌ای گروه عمده خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات با افزایش

۱.۱ واحد درصدی به ۴۲.۶ درصد و گروه کالاها غیرخوراکی و خدمات با افزایش ۰.۶ درصدی به ۲۲.۴ درصد رسیده است.

همین داده‌های رسمی نشان از تورم آشکار پهلومی زنده‌اند اما چند اتفاق به ظاهر ساده در عرصه اقتصاد، پیش در آمدی شده است بر بالارفتن هزینه‌های واقعی و عینی زندگی مردم فرودست و متعلق به دهک‌های کم‌درآمد، چند تصمیم‌گیری اقتصادی که از ابتدای دی ماه کلید خورده و قرار است لرز ناشی از تب گرانی‌ها را در بهمن ماه تشدید کند.

**مالیات بر ارزش افزوده برای تمام کالاها**  
اول از همه، افزایش نرخ مالیات بر ارزش افزوده از راه رسید. گمرک ایران اعلام کرد: «واردات تخم‌ماکیان، انواع گوشت، آردونان، شیر، پنیر، ماست، برنج و حبوبات، سویا و انواع روغن‌های خوراکی، همچنین شیر خشک مخصوص تغذیه کودک کان از تاریخ ۱۳ دی ماه مشمول ۹ درصد مالیات بر ارزش افزوده خواهد شد». به این ترتیب، کارگران نیز مانند همه گروه‌ها باید برای تقریباً تمام کالاها خوراکی و اساسی زندگی، ۹ درصد بیشتر از قیمت کالاها پرداخت کنند و این مالیات بر ارزش افزوده همه‌گیر و گسترده، علاوه بر مالیات بر درآمدی است که تا همین امروز و به رغم اعتراضات بسیار، سقف معافیت آن برای سال آینده فقط ۵ میلیون تومان است.

**درج قیمت مصرف‌کننده دلخواهی شد**  
چلو تری که آمدیم تخریب کنترل قیمت‌ها با دستور قرار گرفتن سیاست‌های تنظیم بازار تعدیلی و دلخواهی فروشندگان رخ داد، قرار

تولیدکنندگان نمی‌شود و از جیب مردم خارج می‌شود لذا برای پایان دادن به این مقوله دولت سیزدهم تصمیم گرفت این بخش را ساماندهی کند؛ ساماندهی این موضوع از طریق درج قیمت تولیدکننده روی کالا دنبال خواهد شد.»

اما سود فرضی تولیدکنندگان، قرار است به زبان قطعی مصرف‌کنندگان تمام شود. اگر قیمت مصرف‌کننده روی کالا نباشد، فروشنده با دست‌باز، کالا را به هر قیمتی که بخواهد، می‌فروشد و هر چقدر جامعه خریداران او تاب‌آوری داشته باشد، قیمت‌ها را افزایش خواهد داد و البته ۹ درصد مالیات بر ارزش افزوده را نیز برای همه کالاها به قیمت‌هایی خواهد افزود.

«فرامرز توفیقی» از نمایندگان کارگری در نشست‌های سنجانه دستمزدبایان اینک «در این چندمین اقتصادی دیگر نمی‌توان به سادگی سید معیشت خانوار را نرخ‌گذاری کرد»، می‌گوید: دست‌فروشان را باز می‌گذارند تا کالاها را به هر قیمتی که می‌خواهند عرضه کنند و بنابراین دیگر کار فرروشی به مفهوم همیشگی معنا نخواهد داشت. تا قبل از این، قیمت مصرف‌کننده روی کالا زده شده بود اما برخی از کالاها با قیمت بیشتر به فروش می‌رسید. از این به بعد قرار است هیچ قیمت ثابتی برای مصرف‌کننده در کار نباشد چون عملاً قیمت مصرف‌کننده روی کالا وجود ندارد. خرده‌فروشی می‌تواند به هر قیمتی که دلش خواست بفروشد و ولو اینکه درصد سود خرده‌فروش را هم تعیین کرده باشند اما چون سیستم نظارت بر قیمت‌ها عملاً وجود ندارد، دقیقاً همین اتفاق می‌افتد.

بنابراین در این اقتصاد متورم، باز هم قرار است همه کالاها اساسی

مصرف‌کنندگان با قیمت بالاتر در بازار عرضه شود و تشنگی قیمتی به نفع تولیدکنندگان و خرده‌فروشان، هزینه‌های زندگی مزدبگیران با درآمد ثابت را به شدت افزایش دهد و البته این گرانی، هنوز تمام ماجرا نیست. یک عامل گرانی‌ساز دیگر قرار است به همه این عوامل افزوده شود: افزایش پلکانی قیمت برق از ابتدای بهمن ماه.

## افزایش پلکانی قیمت برق و ضرر قطعی خانوارهای پرجمعیت

مصوبه دولت درباره اجرای بند «ی» تبصره ۸ قانون بودجه سال ۱۴۰۰ درباره آیین‌نامه تعرفه برق از اول بهمن اجرا می‌شود که براساس آن یارانه انرژی برق از این پس عادلانه و هدفمند خواهد بود.

پنجم‌دی ماه هیأت‌وزیران با استناد به حکم مندرج در بند (ی) تبصره (۸) قانون بودجه سال ۱۴۰۰ کل کشور، نحوه محاسبه تعرفه برق مصرفی مشترکان را تعیین و اجرای آن از اول بهمن راه وزارت نیرو ابلاغ کرده است. طبق این آیین‌نامه، مشترکانی که زیر الگوی مصرف تعیین شده برای هر منطقه برق مصرف می‌کنند، مشمول هیچ افزایش قیمتی نشده و همچنان برق را به قیمت‌های قبلی استفاده می‌کنند اما مشترکانی که بیشتر از الگوی مصرف برق مصرف می‌کنند به صورت پلکانی و در سطوح ۱.۵، ۲.۱ و بیش از دو برابر الگو، یارانه ایشان کاهش یافته و حذف می‌شود.

اما «پر مصرف‌های برق» چه گروه‌هایی هستند؛ ثروتمندانی که خانه‌های بزرگ دارند و اصولاً به الگوی مصرف اعتقادی ندارند و البته هر میزان گرانی قبض برق برایشان هیچ اهمیتی ندارد یا فقرا و دهک‌های فرودستی که به اجبار و به خاطر گرانی اجاره خانه، در سال‌های اخیر مجبور شده‌اند در واحدهای مسکونی کوچک‌تر به صورت جمعیتی و اشتراکی زندگی کنند و وقتی ۷ یا ۸ نفر در یک آپارتمان ۶۰ یا ۷۰ متری زندگی کنند، مصرف برقشان به اجبار افزایش می‌یابد؟

«نادر مرادی» از فعالان کارگری، منتقد افزایش بطنی و آیین‌نامه‌محور هزینه‌های زندگی است. او می‌گوید: هنوز از تب مالیات بر ارزش افزوده ۹ درصدی برای تمام کالاها خوراکی فارغ نشده‌ایم که تسب نگران‌کننده جدیدی از راه رسید و تن‌مان را به لرز انداخت. حال افزایش قیمت برق که البته در زوررق خوش‌رنگ حذف یارانه پر مصرف‌ها پیچیده‌اند و مقابل‌مان گذاشته‌اند!

او نیز بر این باور است که تصمیم به حذف یارانه برق و پلکانی کردن آن، بدون توجه به مترز سرانه زندگی کارگران، تنها به ضرر گروه‌های کم‌درآمد است؛ گروه‌های کم‌درآمدی

**از اول بهمن ماه دیگر کارخانجات تولیدی، قیمت مصرف‌کننده را روی مواد مصرفی درج نمی‌کنند بلکه تنها قیمت تولید را روی کالاها درج خواهند کرد.**  
**همزمان برای هر مقدار تراکنش مالی ۹ درصد مالیات اخذ خواهد شد**

که با جمعیت زیاد در خانه‌هایی با مترز پایین زندگی می‌کنند و الگوی مصرف اعلامی برای واحدهای زیستی آنها بسیار کمتر از میزان واقعی مصرفشان است.

مرادی می‌گوید: «فرض کنید یک زن و شوهر در یک آپارتمان ۱۲۰ متری زندگی می‌کنند. مشخص است که این دو نفر مصرف برقشان از الگوی اعلامی برای واحد ۱۲۰ متری کمتر است هر چند استطاعت پرداخت بیشتر را هم قطعاً دارند اما وقتی یک خانواده شش نفره به ناچار در یک واحد آپارتمان ۷۰ متری زندگی کنند، مصرف برق خود به خود از سطح الگو بالاتر می‌رود و مجبورند نرخ‌های صعودی و جهش یافته برای قبض برق بپردازند. به این ترتیب، دولت دوباره هزینه سربار به خانواده‌های کم‌درآمد و پرجمعیت تحمیل کرده است و می‌خواهد بخشی از درآمدهای خود را از جیب مردم تأمین کند. این در حالی‌ست که مردم دیگر توان ندارند. نمی‌توانند هزینه یک کیلو گوشت یا مرغ با یک شانه تخم‌مرغ را در ماه بپردازند. این مردم کم‌توان شده، چگونه باید پول قبض‌های پلکانی برق را بپردازند؟ اگر آمارگیری دقیق از خانوارها به عمل بیایند، این خانوارهای کارگری هستند که با تراکم جمعیت بالا، معمولاً از الگوهای متعارف مصرف تجاوز کرده و باید هزینه‌های گزاف برای انرژی بپردازند، آن هم در کشوری که سرسشار از انرژی‌های خدادادی است.»

حالا این چند مولفه را کنار هم می‌چینیم. عدم درج قیمت مصرف‌کننده روی کالاها اساسی، مالیات بر ارزش افزوده برای تمام خوراکی‌ها و نیازهای ضروری خانوار و در نهایت، افزایش قبوض برق براساس الگوی مصرف اعلامی. همین سه مولفه که در قالب آیین‌نامه‌های دولتی به تدریج و آهسته و البته ناخواسته وارد میدان زندگی کارگران شده‌اند، معلوم نیست تا پایان بهمن ماه، چقدر هزینه‌های واقعی زندگی را افزایش خواهند داد و این صعود عینی و ملموس هزینه‌های زندگی، در سبب تورمی مرکز آمار ایران، اساساً چگونه به حساب آید.



کرده، گفت: به این صورت راه را برای نماینده‌های کارفرما باز گذاشتند. امسال بسیار سخت‌است که در شورای عالی کار نماینده‌های کارفرما و دولت را قانع کنیم که این مقدار متناسب با تورم بالای ۴۰ درصد نیست. هزینه‌های زندگی سه و نیم نفری بالای ۱۰ میلیون تومان است و این دستمزد‌ها پاسخگوی هزینه‌ها نیست.

به اجرا نشدن ماده ۴۱ قانون کار معترض شدیم ولی اتفاقی نیفتاد و برای همان شش نفر ابلاغ شد. یک سال نیز در مورد رعایت نشدن شاخصه‌های ماده ۴۱ قانون کار در تعیین دستمزد به دیوان عدالت اداری شکایت کردیم که در نهایت به آن رسیدگی نشد.

وی با اشاره به اینکه دولت در بودجه سنواتی افزایش حقوق را ۱۰ درصد پیش‌بینی

میلیون و ۲۰۰ هزار تومان حقوق می‌گیرد که از خط فقر حدود ۶ میلیون تومان فاصله دارد. به این ترتیب رغبتی برای کار کردن در کارخانه ندارند.

وی گفت: هنوز بسیاری از مشاغل و صنایع ما تا ۷۰ یا ۸۰ درصد دولتی است و بزرگترین کارفرمای کشور فعلاً دولت است. در شورای عالی کار هم دولت همکاری نمی‌کند. تنها سه نفر در شورای عالی کار از نمایندگان کارگران هستند. وقتی مشکلات این چنینی ایجاد می‌شود نماینده کارفرما با دولت یکی شده و کار به رای‌گیری می‌رسد و در نهایت کارگران راه به جایی نمی‌برند.

وی ادامه داد: حتی یک بار در شورای عالی کار صورت جلسه نهایی را امضا نکردیم و نسبت

جبران نشود در آینده نزدیک هیچ کارگری دیگر انگیزه کار در کارخانه‌ها را نخواهد داشت.

اصلاحی افزود: اکنون اکثر کارخانه‌ها به دنبال کارگر هستند و این موضوع در استان البرز و در سراسر ایران صادق است چون دیگر کارگران با یک جا کار کردن نمی‌توانند خود را بگردانند و به دنبال شغل‌های کاذب هستند.

علی اصلاحی در گفت‌وگو با ایسنا گفت: مشکل از زمان جنگ ایجاد شد که نمایندگان کارگران قبول کردند حقوق کارگران افزایش پیدا نکند و بعد از جنگ دولت‌ها جبران کنند و به دلیل جبران نشدن، فاصله بین خط فقر و حداقل حقوق کارگران این فاصله زیاد شده است. اگر افزایش حقوق در زمان جنگ هم اتفاق می‌افتاد، اکنون حداقل حقوق کارگران ۹ میلیون تومان بود.

وی ادامه داد: اگر فاصله خط فقر با تورم

## خبر

رئیس کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار البرز:

## چرخ زندگی با یک شغل نمی‌چرخد

رئیس کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار البرز گفت: فاصله تورم با خط فقر و حداقل حقوق کارگران بسیار زیاد است. دیگر کارگران با یک جا کار کردن نمی‌توانند زندگی خود را بگردانند و به دنبال شغل‌های کاذب هستند.

علی اصلاحی در گفت‌وگو با ایسنا گفت: مشکل از زمان جنگ ایجاد شد که نمایندگان کارگران قبول کردند حقوق کارگران افزایش پیدا نکند و بعد از جنگ دولت‌ها جبران کنند و به دلیل جبران نشدن، فاصله بین خط فقر و حداقل حقوق کارگران این فاصله زیاد شده است. اگر افزایش حقوق در زمان جنگ هم اتفاق می‌افتاد، اکنون حداقل حقوق کارگران ۹ میلیون تومان بود.

وی ادامه داد: اگر فاصله خط فقر با تورم